

سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع)

عنایت‌الله شریفی*

دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

مهرعلی لطفی**

مرتب‌ی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۴؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱۱/۲۳)

چکیده

سبک زندگی خانوادگی در آیین اسلام همانند درختی است که ریشه آن، باورها و اندیشه‌ها و ساقه و شاخه‌هایش، ارکان و وظایف اعضای خانواده می‌باشد. از این رو، سبک زندگی خانوادگی دارای ابعاد زیادی است. پژوهش حاضر در صدد بررسی سبک خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع) در ابعاد تشکیل خانواده و ازدواج، محیط خانواده و اداره آن و همسرپروری می‌باشد. از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم (ع)، باورها و اعتقادات نقشی اساسی در خانواده دارند و ازدواج را امر مقدّسی می‌داند و همگان را به این امر فرا خوانده است و به آن تشویق می‌نماید و معیارهای تقوا، عقل، اخلاق نیک و همتایی در انتخاب همسر را مورد توجه قرار می‌دهند و مدیریت خانواده را به مرد و لزوم مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده نسبت به یکدیگر مخصوصاً مسئولیت تربیت دینی پدر نسبت به فرزندان و همکاری زن و شوهر در خانه را ضروری می‌دانند و تأکید به رفتار شایسته با همسران و محبت و مهرورزی نسبت به آنان می‌نمایند.

واژگان کلیدی: قرآن، سنت، خانواده، سبک زندگی، پیشوایان معصوم (ع).

پژوهش‌های معارف قرآنی، سال ۴، شماره ۱۴، پیاپی ۱۳۹۲

* E-mail: enayat.sharifi@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: info@lotfiatu.ir

مقدمه

سبک زندگی در شکل نوین اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در روانشناسی به سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد. هرچند آدلر آن را ابداع کرد، ولی پیروان کلاسیک او و دیگران به تفصیل آن پرداخته‌اند. محققان تعاریف گوناگونی بر اساس بینش و نگرش خاص خود ارائه داده‌اند. جامعه‌شناسان در تعاریف جامعه‌شناسانه، بیشتر بر هنجارها و منش‌های اجتماعی افراد در جامعه تأکید دارند و روانشناسان بیشتر به بُعد فردی و شخصیتی می‌پردازند، ولی آنچه مهم است اینکه این تعاریف تک‌بعدی هستند و فقط به یک بُعد از ابعاد زندگی انسان‌ها توجه داشته‌اند، ولی از آنجا که آیین اسلام، آیینی جامع و کامل است و انسان‌ها را کامل‌تر و جامع‌تر مورد ارزیابی قرار می‌دهد و زندگی را با پشتوانه امور اعتقادی و بینش‌ها مورد ارزیابی قرار می‌دهد، حتی رفتارهایی همانند نماز، اگر اعتقاد به خدا و معاد را پشتوانه خود نداشته باشد، رفتار اسلامی محسوب نمی‌شود، چنان‌که بسیاری از رفتارهای مرتاضان و درویشان اسلامی نیست (ر.ک؛ کاویانی، ۱۳۹۱: ۱۹). بر این اساس، می‌توان سبک زندگی اسلامی را بدین گونه تعریف کرد: «شیوه‌هایی از زندگی است که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در زندگی فردی و اجتماعی برای ایجاد ارتباط با محیط و جامعه، پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به کار می‌گیرد. طبق این تعریف، سبک زندگی، سبک زندگی مصرف‌های مادی یا فرهنگی نیست، چراکه زندگی عناصر غیر از مصرف را نیز در بردارد.

بر این اساس، سبک زندگی اسلامی دارای قلمروی وسیعی می‌باشد. در این نوشتار، سبک زندگی خانوادگی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سبک زندگی خانوادگی در آیین اسلام همانند درختی است که ریشه‌ها و ساقه‌های آن بینش‌ها و نگرش‌های اعضای خانواده و شاخه‌های آن را وظایف اعضای خانواده تشکیل می‌دهد. بر این اساس، قلمرو سبک زندگی خانوادگی بسیار گسترده می‌باشد. در این مقاله ریشه‌های آن یعنی بینش‌ها و باورها و برخی از ساقه‌های آن نظیر ازدواج و تشکیل خانواده، محیط و اداره خانواده و همسرپروری مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و به همین دلیل، در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر می‌باشد:

الف) نقش اندیشه‌ها و باورها در سبک زندگی خانوادگی از منظر قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع) چگونه است؟

ب) سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع) در امر تشکیل خانواده و ازدواج چگونه است؟

ج) سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت در محیط خانواده و اداره آن چگونه می‌باشد؟

د) سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع) در برخورد با همسر چگونه است؟

ه) سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع) در محبت و مهرورزی نسبت به همسر چگونه می‌باشد؟

الف) نقش باورها و اندیشه‌ها در سبک زندگی خانوادگی از منظر قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع)

باورها و اندیشه‌ها که ریشه‌های سبک زندگی خانوادگی می‌باشند، نقش اساسی در زندگی خانوادگی دارند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- اعتقاد به خدا

باور به خدا، همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد. فردی که خدا را ناظر و همراه خود و حتی از رگ گردن خود به خویش نزدیک‌تر می‌بیند: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلِمَ مَا تُوسُّوسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم (ق/۱۶)، تلاش می‌کند تا در برخورد با اعضای خانواده و انجام وظایف خانوادگی، رضایت آنها را جلب نماید. توجه به عدالت خدا، اینکه هیچ ظلمی را روا نمی‌دارد و حق هیچ مظلومی را ضایع نمی‌کند، زمینه شناخت دیگری برای مهار رفتاری اعضای خانواده است. هرچه این حالت قوی‌تر باشد، مشکلات فرد کمتر خواهد بود.

توجه به صفات خداوند، از جمله رحمت و مهربانی گسترده، توانایی نامحدود و... آثار مثبت بر زندگی فرد و جنبه‌های خانوادگی او بر جا می‌گذارد و عطف و رحمت اعضای خانواده نسبت به هم بیشتر و زمینه پیشگیری و حل بسیاری از مشکلات می‌گردد. بنابراین، توکل بر خداوند در همه امور زندگی از آثار ایمان به خداوند است که خانواده را در برابر مشکلات یاری می‌رساند.

۲- اعتقاد به رسالت و نبوت

نقش باور به اصل نبوت و امامت در زندگی خانوادگی به دو بُعد باز می‌گردد: اولین بُعد آن آموزش امور دینی است که مهم‌ترین آنها شناخت تعالیم دین پس از کلام خداوند، احادیث پیشوایان معصوم (ع) و الگوپذیری از آنان در ابعاد مختلف زندگی مخصوصاً زندگی خانوادگی است؛ مانند گزینش همسر، مهریه و جهیزیه، مراسم ازدواج، روش برخورد با فرزندان، با همسر، والدین و... می‌باشد.

۳- اعتقاد به معاد و زندگی پس از مرگ

مهم‌ترین آثار باور به معاد و زندگی پس از مرگ در خانواده این است که اعتقاد به پس از مرگ، خانواده را متوجه اهداف پایداری می‌کند که موجب پیوند بیشتر اعضای خانواده می‌شود. بر این اساس، بر اثر باور نداشتن به معاد، خانواده به کارکردهای محدود زندگی خانوادگی اکتفا می‌گردد و خانواده در اثر بی‌هدفی به راحتی به جدایی و انحلال کشیده می‌شود. اثر دیگر آن است که باور به زندگی پس از مرگ می‌تواند فرد را در رویارویی با مشکلاتی همانند فقدان عزیزی یا معلولیت یا مشکلات بسیار شدید اقتصادی در آرامش روانی یاری دهد. سومین اثر اعتقاد به معاد در زندگی خانوادگی، مهارکنندگی و بازدارندگی آن می‌باشد. باور به معاد و یادآوری عواقب به تعدی حقوق دیگران، فرد را تا حدی از رفتارهای نامناسب باز می‌دارد. این مورد، قرآن به افراد مؤمن هشدار می‌دهد که خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن سنگ و انسان‌هاست، حفظ کنند (ر.ک: التَّحْرِیم/ ۶). همچنین در سخنان پیشوایان معصوم (ع) به عواقب بد رفتاری با همسر اشاره شده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ق. ۷۶: ۲۲۰) که توجه فرد به این عواقب ناخوشایند در زندگی آخروی می‌تواند آنان را از رفتار نامناسب بازدارد.

(ب) سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع) در امر

تشکیل خانواده و ازدواج

ازدواج امر مقدسی است که قرآن برای تشکیل و قداست آن، اهمیت ویژه‌ای قائل است و همگان را به این امر فراخوانده، به آن تشویق نموده است؛ چنان که می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید. همچنین غلامان و کنیزان

صالح و درستکاران را. اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است» (النور/۳۲).

این آیه به همه پدران و والدین تأکید می‌کند که باید به امر ازدواج دختران و پسران مجرد همت گمارند و آنان را دعوت به ازدواج کنند و تنها به دلیل مشکلات از تشکیل خانواده نهراسند، چرا که خداوند وعده گشایش داده است.

همه اولیای دین اسلام (ع) ازدواج را امری مناسب می‌دانستند، چنان‌که رسول خدا (ص) در حدیثی می‌فرماید: «مَا بَنَى فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ التَّزْوِيجِ: در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند نیست» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴: ۳).

نیز از پیامبر خدا (ص) نقل شده که هر کس آیین فطری مرا دوست دارد، به سنت من گرایش پیدا کند و نکاح از سنت من است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۲۰). نیز می‌فرماید: «ای جوانان! هر کس قدرت جنسی دارد، ازدواج کند؛ زیرا ازدواج برای حفظ چشم و فرج بهتر است و هر کس توانایی مالی ندارد، روزه بگیرد؛ زیرا روزه برای او شکننده شهوت است». از سعید بن جبیر نقل است که «ابن عباس در سفر حج به من برخورد. از من پرسید: ازدواج کرده‌ای؟! گفتم: نه. گفت: برو ازدواج کن. سال دیگر به من برخورد، پرسید: ازدواج کرده‌ای؟! گفتم: نه. گفت: برو ازدواج کن؛ زیرا بهترین این امت، یعنی پیامبر از همه بیشتر زن داشت» (همان). ابوهیریره گوید: «اگر یک روز از دنیا مانده باشد، خدا را به همراه همسر ملاقات می‌کنم. از پیامبر خدا شنیدم که: بدترین شما مجردین شمایند و فرمود: کسی که دارای فرزندی است و قادر است که او را همسر بدهد و ندهد و حادثه‌ای پیش آید، گناه او بر هر دوی ایشان است» (همان) و نیز پیامبر (ص) می‌فرماید: «چهار طائفه‌اند که خداوند آنها را لعن می‌کند: کسی که برای فرزنددار نشدن ازدواج نکند و مردی که خود را شبیه زنان کند و زنی که خود را شبیه مردان کند و کسی که مردم را گمراه کند، یعنی آنها را مسخره کند و به بیچاره‌ای بگوید: بیا تا ترا عطا کنم. وقتی که آمد، به او بگوید: چیزی ندارم و به نابینا بگوید: از حیوانی که جلوت هست، احتیاط کن و حال آنکه حیوانی نیست و به کسی که سراغ خانه‌ای می‌گیرد، نشان غلط می‌دهد» (همان).

پیشوایان معصوم (ع) در عین اهتمام به رشد و تکامل معنوی، به دنبال دنیاگریزی و رهبانیت نبودند و به افراد تأکید می‌کردند که ازدواج نه تنها با معنویت تعارضی ندارد، بلکه در

رشد آن بسیار مؤثر است؛ مثلاً امام صادق (ع) به زنی توصیه می‌کند که حتماً ازدواج کند؛ زیرا اگر رهبانیت و دوری از ازدواج در معنویت تأثیر مثبت داشت، شخصیتی مانند حضرت فاطمه (س) در این جهت پیش گام بود: «انصر فی فلو کان ذلک فضلاً لکانت فاطمة أحق منک» (همان).

از مهم‌ترین سبک پیشوایان معصوم (ع) در ازدواج و تشکیل خانواده، بی‌اعتنایی به امور مادی و تکلفات و رویارویی آسان و معمولی آنان با ازدواج است، به گونه‌ای که هم خود به آسانی ازدواج کردند و هم در ترویج فرزندان از تکلف پرهیز می‌نمودند.

در مسأله مهریه و جهیزیه روش متعادل و معقولی را داشتند، مهریه حضرت زهرا (س) یک ذره بود و قیمت آنکه مبلغ حدود پانصد درهم بود، فروخته شد که با بخشی از قیمت آن جهیزیه‌ای به شرح ذیل تهیه گردید: «یک پیراهن، یک روسری بزرگ، یک حوله سیاه خیبری، یک تختخواب ریسمانی، دو عدد تشک که یکی از پشم گوسفند و دیگری از لیف خرما پر شده بود، چهار عدد بالش، یک پرده پشمینه، یک قطعه حصیر و بوریا، یک عدد آسیای دستی، یک طشت مسی، ظرف چرمی، یک مشک برای آبکشی، یک کاسه برای شیر، یک آفتابه، یک سبوی سبزم، چندکوزه سفالین» (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۹).

علی (ع) نیز جهت ازدواج چیزهایی به این شرح برای خانه خود تهیه کرد: «چوبی میان دو دیوار خانه نصب نمود که لباس‌ها را بر آن بیاویزند. یک پوست گوسفند و یک مٹکا که از لیف خرما پوشیده بود و خانه را با مقداری شن نرم فرش کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۱۱۴).

معیارهای انتخاب همسر

از نکات مورد توجه قرآن کریم و پیشوایان معصوم (ع) در ازدواج، معیارهای انتخاب همسر است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف) پارسایی و دینداری

دین‌داری و تقوا از معیارهای مهم در انتخاب همسر است، هر اندازه این ویژگی قوی‌تر باشد، رعایت حد و حدود شرعی کامل‌تر و پای‌بند به اصول خانواده بیشتر خواهد بود و هر چه ضعیف‌تر باشد، به همان اندازه می‌تواند به استحکام و پایداری خانواده آسیب برساند.

تقوا دارای درجاتی است که کمترین درجه آن انجام واجبات و ترک محرمات است. دختران و پسران جوان باید بدانند کسی که در برابر خدای جهان و خالق هستی کرنش نکرد و به دستورات او بی‌اعتنایی نمود، در برابر همسرش کرنش نخواهد کرد و ارزشی برای او قائل نخواهد شد. قرآن می‌فرماید: «با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند، قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است، هر چند زیبایی او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند، قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است، هر چند شما را به شگفت آورد، آنان شما را به سوی آتش فرامی‌خوانند و خدا به فرمان خود [شما را] به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند و آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد، شاید متذکر شوید» (البقره/ ۲۲۱).

هر چند این آیه درباره ازدواج پسران و دختران آزاد مسلمان با دختران و پسران آزاد مشرک است، ولی هشدار می‌دهد که دختران و پسرانی که گاه سخت شیفته و شیدای جمال و زیبایی ظاهری یا موقعیت مادی و اجتماعی دختران و پسران می‌شوند و ارزش‌های دینی و معنوی را فدا می‌سازند و در روایات نیز به مسأله دینداری تأکید شده است. رسول خدا (ص) فرمود: «اگر مردی که اخلاق و دینش را می‌پسندید، درخواست ازدواج کرد، او را همسر دهید. اگر چنین نکنید، در زمین فتنه و فساد بزرگ پدید آید» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴: ۳۱). نیز فرمود: «با زن به خاطر چهار خصلت ازدواج می‌شود: به خاطر مال، دین، زیبایی و حسب و نسب خانوادگی، تو به خاطر دین او ازدواج کن» (همان).

ب) آراستگی به فضایل اخلاقی

آمار نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین عواملی که همسران را از هم جدا می‌کند و به طلاق می‌کشانند، بد اخلاقی و بی‌بهرگی از فضایل اخلاقی است. بنابراین، بهترین راه مقابله با این آسیب، انتخاب همسری خوش اخلاق می‌باشد و منظور از اخلاق نیک، تنها «خنده‌رویی» و خوش‌خُلُقی اصطلاحی نیست؛ زیرا خندیدن و... در بعضی از مواقع نه تنها مطابق اخلاق نیست، بلکه خلاف اخلاق است و منظور از اخلاق نیک، «صفات و خُلق و خوی‌های پسندیده از نظر عقل و شرع» می‌باشد.

قرآن کریم در ماجرای موسی (ع) با دختران شعیب می‌فرماید: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ: یکی از آن دو (دختر) گفت: پدرم! او را

استخدام كن؛ زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی، آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است)» (القصص / ۲۵).

از این آیه استفاده می‌شود که شخصیت اخلاقی و رفتاری دختران شعیب و روح فتوت و جوانمردی، امانت‌داری، موسای جوان در ازدواج آنان مؤثر بوده است. در روایات نیز ازدواج با مردان بد اخلاق نهی شده است، شخصی می‌گوید از امام رضا (ع) در نامه‌ای پرسیدم کسی از خویشاوندانم از دخترم خواستگاری کرده است، اما او اخلاق بد دارد. امام فرمود: اگر بد اخلاق است، با او وصلت نکن» (مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱۰۰: ۲۳۵). در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «دختر خود را هرگز به شراب‌خوار ندهید و گرنه مانند این است که او را به سوی زنا سوق داده باشید» (همان، ج ۶۳: ۴۹۱).

ج) همتایی و تناسب

ازدواج نوعی ترکیب بین دو انسان و خانواده است، زندگی مشترک، یک پدیده مرکب است که اجزاء اصلی و اساسی آن، زن و مرد می‌باشند. هر قدر بین این دو عنصر، هماهنگی، هم‌فکری، تناسب شخصیت روحی و اخلاقی و جسمی باشد، این ترکیب، استوارتر، محکم‌تر، پرمثمر، شریف‌تر، لذت‌بخش‌تر و جاودانه‌تر خواهد بود. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّوُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ: زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند، و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاک هستند. اینان از نسبت‌های ناروایی که (ناپاکان) به آنان می‌دهند، مبرا هستند و برای آنان آمرزش (الهی) و روزی پُرارزشی است» (النور/۲۶).

در اینکه منظور از «خبیثات» و «خبیثین» و همچنین «طیبات» و «طیبین» در آیه مورد بحث کیست؟ مفسران بیانات مختلفی دارند:

۱- گاه گفته شده که منظور سخنان ناپاک و تهمت و افترا و دروغ است که تعلق به افراد آلوده دارد و به عکس سخنان پاک از آن مردان پاک و باتقوا است و «از کوزه همان برون تراود که در او است» (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۱۲).

۲- گاه گفته می‌شود «خبیثات» به معنی «سیئات» و مطلق اعمال بد و کارهای ناپسند است که برنامه مردان ناپاک است و به عکس «حسنات» تعلق به پاکان دارد (همان).

۳- «خیثات» و «خبیثون» اشاره به زنان و مردان آلوده دامان است، به عکس «طیبات» و «طیبون» که به زنان و مردان پاکدامن اشاره می‌کند و ظاهراً منظور از آیه همین است (ر.ک؛ طباطبائی، بی تا، ج ۱۵: ۹۵ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۴۲۱). در آیه دیگر می‌فرماید: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ: مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود در نمی‌آورد و این کار بر مؤمنان حرام شده است» (النور/۳).

در اینکه این آیه بیان یک حکم الهی است یا خبر از یک قضیه خارجی و طبیعی؟ در میان مفسران گفتگو است:

بعضی معتقدند آیه تنها یک واقعیت عینی را بیان می‌کند که آلودگان همیشه دنبال آلودگان می‌روند و همجنس با همجنس پرواز می‌کند، اما افراد پاک و با ایمان هرگز تن به چنین آلودگیها و انتخاب همسران آلوده نمی‌دهند و آن را بر خویشان تحریم می‌کنند، شاهد این تفسیر همان ظاهر آیه است که به صورت «جمله خبریه» بیان شده است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۳۶۱). گروه دیگر معتقدند که این جمله بیان یک حکم شرعی و الهی است، مخصوصاً می‌خواهد مسلمانان را از ازدواج با افراد زناکار باز دارد، چرا که بیماریهای اخلاقی همچون بیماریهای جسمی غالباً واگیردار است (ر.ک؛ همان و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۱۷).

روایات فراوانی است که از پیامبر اسلام (ص) و سایر پیشوایان معصوم (ع) در این زمینه به ما رسیده است و آن را به صورت یک حکم تفسیر کرده‌اند. حتی بعضی از مفسران بزرگ در شأن نزول آیه چنین نوشته‌اند: «مردی از مسلمانان از پیامبر (ص) اجازه خواست که با «امم مهزول» - زنی که در عصر جاهلیت به آلودگی معروف بود و حتی پرچمی برای شناسایی بر در خانه خود نصب کرده بود - ازدواج کند، آیه فوق نازل شد و به آنها پاسخ گفت... (ر.ک؛ همان).

در حدیث دیگری نیز از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) می‌خوانیم: «این آیه در مورد مردان و زنانی است که در عصر رسول خدا (ص) آلوده زنا بودند، خداوند مسلمانان را از ازدواج با آنها نهی کرد و هم اکنون نیز مردم مشمول این حکم هستند، هر کس مشهور به این عمل شود و حد الهی به او جاری گردد، با او ازدواج نکنید تا توبه‌اش ثابت شود» (ر.ک؛ همان).

همتایی و تناسب دارای ابعاد مختلفی است؛ از جمله همتایی و تناسب دینی و ایمانی،

همتايى و تناسب فكري و فرهنگى، همتايى اخلاقى، همتايى جسمى و جنسى، همتايى اقتصادى و سياسى، اجتماعى، تناسب در زيبايى و خانوادگى، تناسب سنّى و علمى، هماهنگى روحى و روانى.

د) اصالت خانوادگى

يکى ديگر از معيارهاى انتخاب همسر توجه به اصالت خانوادگى فرد است و اگر فرد اصالت خانوادگى نداشته باشد بر پايه تقوا و دين تربيت نشده باشد، به طور قطع، ستونى لرزان و سُست براى بر پا کردن خيمه خانوادگى خواهد بود. رسول خدا (ص) فرمود: «اى مردم! از گياهان سبز و خرمى که در مزبله رشد کرده اند، بپرهيزيد! گفتند: اى رسول خدا، منظور از اين جمله چيست؟ در پاسخ فرمود: دختر زيبايى که در خانواده بد رشد کرده باشد» (کُلينى، ۱۳۶۵، ج ۵: ۳۳۲). ناگفته نماند که اصالت خانوادگى همسر يکى از شرايط است و نه تنها شرط.

ج) سبک زندگى خانوادگى در قرآن و سنت در محيط خانواده و اداره آن

۱- مديریت خانواده

از آنجا که خانواده يک واحد اجتماعى است و نياز به مديریت دارد و تأمين معيشت و نفقه زن به مرد سپرده شده است و از سويى، ويژگى جسمى و روحى مرد نيز براى سرپرستى خانواده سزاوار مى باشد، مديریت خانواده به مرد سپرده شده است: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالْمَالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...: مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برترىهايى که خداوند (از نظر نظام اجتماع) براى بعضى نسبت به بعضى ديگر قرار داده است، و به خاطر انفاقهايى که از اموالشان (در مورد زنان) مى کنند، و زنان صالح، زنانى هستند که متواضع هستند، و در غياب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقى که خدا براى آنان قرار داده، حفظ مى کنند...» (النساء/ ۳۴).

در روايت آمده است على (ع) و فاطمه (س) وقتى که وارد زندگى مشترک شدند، پيامبر (ص) بر آنان وارد شد. براى دختر و داماداش تقسيم کار کرد، مديریت خانه را بر عهده على (ع) گذاشت و فرمود کارهاى داخل منزل به عهده حضرت فاطمه (س) باشد و کارهاى خارج منزل

بر عهده علی (ع) (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۳: ۸۶).

۲- همکاری در اداره خانه

از نکات بسیار مهم در سبک زندگی خانوادگی پیشوایان معصوم (ع) یاری رساندن و همکاری در اداره منزل می‌باشد. در کلمات اولیای دین (ع) برای تشویق زن و مرد به یاری یکدیگر، نکات جالب توجهی بیان شده که توجه به آنها انگیزه همکاری را در منزل بیشتر می‌کند. در مورد تلاش زن در محیط خانواده آمده است: «اگر زنی به همسرش جرعه‌ای آب بنوشاند، ارزش معنوی این رفتار بیش از ثواب یک سال روزه و عبادت شب‌های آن است و خداوند در برابر هر جرعه آب که به همسرش می‌نوشاند، برای او شهری در بهشت بنا می‌کند و شصت گناه او را می‌بخشد» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴: ۱۲۴). نیز در مورد همکاری مرد در خانه، رسول خدا (ص) به علی (ع) سفارش می‌فرماید: «مردی نیست که به همسرش در خانه کمک کند، مگر آنکه به تعداد موه‌های بدنش عبادت یک سال روزه با نماز در شب‌هایش برای او پاداش قرار می‌دهند و خداوند پاداش پیامبران صوری مانند داوود (ع)، یعقوب (ع) و عیسی (ع) را برای او قرار می‌دهد. ای علی! کسی که از خدمت به خانواده خوداری نکند، خداوند نام او را در زمره شهدا می‌نویسد و در مقابل هر روز و شب خدمت و هر قدم و رنج بدن به او پاداش بسیار می‌دهد. ای علی! یک ساعت خدمت در خانه بهتر از عبادت هزار سال، هزار حج، عمره و... سیر کردن هزار گرسنه و... بخشش هزار دینار ... از دنیا خارج نمی‌شود، مگر آنکه جایگاه خود را در بهشت ببیند...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱: ۱۰۶).

در سیره پیشوایان معصوم چنین چیزی وجود داشته است. علی (ع) آب و هیزم خانه و جارو و نظافت آن را بر عهده می‌گرفت و همسر ایشان (فاطمه (س)) آرد کردن، خمیر و پخت نان را انجام می‌داد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴: ۱۲۴؛ مقدمات نکاح). نیز در روایت آمده است که روزی پیامبر (ص) وارد خانه علی (ع) شد و دید حضرت علی (ع) در کنار زهرا (س) نشسته، مشغول پاک کردن عدس است. حضرت رسول (ص) ثواب عظیمی را برای مردی که به همسر خود در خانه کمک نماید بیان فرمود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳: ۱۳۳). افزون بر همکاری، حضرت علی (ع) در امور خانواده و مسایل مهم با فاطمه (ص) مشورت می‌کرد و فاطمه در نهایت تواضع با ایشان همراهی می‌کرد؛ مثلاً در مسأله مهمی فاطمه (س) به علی (ع) می‌فرماید: «خانه، خانه توست و من همسر تو هستم. هر آنچه می‌خواهی، انجام بده» (همان، ج ۴۲: ۱۸۹).

از همین باب است حضور در خانه و همراهی با خانواده به‌ویژه در شب، رسول خدا (ص) نشستن نزد خانواده را از اعتکاف و عبادت در مسجد مدینه، نزد خدا محبوب‌تر دانسته است. همچنین غذا خوردن به همراه خانواده مورد توجه قرار گرفته است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هر مردی که سفره غذا را بگستراند و زن و فرزندش را بخواند و غذا را با نام خدا شروع کند و با شکر خدا به پایان برساند، هنگامی که هنوز سفره برداشته نشده، خدا رحمت و آمرزش را بر آنان نازل فرماید» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۴۲۲). هنگام ورود به خانه با سلام وارد شود (همان، ج ۷۶: ۱۵۸).

۳- احساس مسئولیت اعضای خانواده

از مهم‌ترین سبک زندگی خانوادگی از منظر قرآن و سنت، احساس مسئولیت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر است که یکی از مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های یک فرد مسلمان، مراقبت و مواظبت بر ایمان یکایک اعضای خانواده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند، (به طور کامل) اجرا می‌نمایند» (التحریم/ ۶).

این آیه برای انسان مؤمن خطوط مسئولیت او را ترسیم می‌کند تا او را از چارچوب فردیت خارج کند و به سوی خواسته‌های انسانی و دینی گسترده سوق دهد، یعنی به آنجا که اندیشیدن برای رهایی و رستگاری دیگران همچون جزئی از مسئولیت او در زندگی به‌شمار می‌رود. به همین جهت است که امامان راهنما در تفسیر خود درباره این آیه کریمه تأکید کرده‌اند. سلیمان بن خالد می‌گوید: «به امام صادق، علیه‌السلام، گفتم که مرا اهل بیتی است که حرف مرا می‌شنوند. آیا آنان را به این امر بخوانم؟ فرمود: آری، خدای عز و جل در کتاب خود فرموده است: (الآیه) «(عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۳۷۲). از ابوبصیر نیز روایت است که گفت: «از ابو عبدالله، علیه‌السلام، در خصوص این آیه پرسش کردم که خودم را می‌توانم نگاه دارم و حفظ کنم، اما اهل خانه‌ام را چگونه حفظ کنم؟ فرمود: آنان را به چیزهایی فرمان ده که خدا آنان را به آن فرمان داده است و از چیزهایی بازشان دار که خدا آنها را نهی فرموده

است. پس اگر فرمان تو را ببرند، آنان را حفظ کرده‌ای و اگر نافرمانیت کنند، آنچه را که بر عهده تو بوده است، به انجام رسانیده‌ای» (همان). این روایت در این باره تأکید می‌کند که خواندن به سوی خدا مسئولیتی واجب بر مؤمن در محیط‌های خانواده (همسر و فرزندان) است و بر او واجب است که همچون فرستاده‌ای از پروردگارش در آنجا باشد و آنان را به حق بخواند و از باطل نهی کند و این که دعوت را قبول نکنند، مسئولیت را ساقط نمی‌کند، چنان‌که از امام صادق، علیه‌السلام، در این باره پرسیدند که: چگونه آنان را نگاه دارند؟ فرمودند: فرمانشان دهید و نهبشان کنید. گفتند: ما امر و نهی می‌کنیم، ولی آنان نمی‌پذیرند؟ فرمود: چون امر و نهی کنید، آنچه را که بر عهده شما بوده است، انجام داده‌اید» (همان).

آنچه از این آیه استفاده می‌شود، تنها تأمین هزینه زندگی، تهیة مسکن، تغذیه و... وظیفه پدر و سرپرست نیست، بلکه مهم‌تر از آنها، تغذیه روح و جان اعضای خانواده است. نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم نمودن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲۴: ۲۸۸).

در آیه دیگری نیز مسئولیت نسبت به نماز اعضای خانواده مورد تأکید قرار گرفته است، آنجا که می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...» خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش...» (طه / ۱۳۲).

از این آیه بر می‌آید که نماز تنها یک عبادت فردی نیست که شخص آن را در برابر پروردگارش به جا می‌آورد، بلکه نماز علاوه بر عبادت، یک کار اجتماعی هم هست. این معنی از دو کلمه «فرمان ده» و «پای بیفش» دانسته می‌شود. کلمه نخستین دلالت بر ضرورت التزام جامعه به این عبادت دارد، در حالی که کلمه دوم حکایت از آن دارد که نماز یک عمل ساده نیست و همراه با مشقت‌ها و رنجهاست. پس باید در استمرار آن صبر و پافشاری به خرج داد.

اخبار بسیاری از حضرت امام باقر، علیه‌السلام، از پدر بزرگوارشان، زین‌العابدین، علیه‌السلام، و از حضرت امام رضا، علیه‌السلام، رسیده که مفاد آن اینکه حضرت رسالت (ص) پس از نزول این آیه شریفه همه روزه وقت سحر و صبح و شام می‌آمد، درب خانه علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) سلام می‌کردند و می‌فرمودند: «الصَّلَاةَ رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ

الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۴۰۸).

پیامبر (ص) والدینی که کودکان خود را به اعمال خوب و عبادت تشویق نمی‌کنند، شدیداً سرزنش می‌کنند. روزی پیامبر (ص) به بعضی از کودکان نگاه می‌کردند. رفتار آنها حکایت از عدم آشنایی به آداب و احکام دینی بود. به همین دلیل، برای توجه دادن اولیای کودکان فرمود: «وای بر فرزندان آخر الزمان از دست پدرانشان». یکی از اصحاب گفت: ای رسول خدا! از دست پدران مشرکشان؟ پیامبر فرمود: «نه، از دست پدران مؤمنشان که هیچ چیز از فریض و احکام الهی را به آنها نمی‌آموزند و حتی ممکن است کودکان، خودشان یاد بگیرند، ولی والدین مانع آنها شوند! این والدین به اندک کارهای دنیوی از ناحیه کودکان راضی می‌شوند و هیچ توجهی به اخلاق و معنویت آنها نمی‌کنند. من از اینها بیزارم و آنها از من بیزار» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۱۶۴؛ ح ۱۷۸۷۱).

والدین موظف هستند که کودکان خود را به فریض و انجام دادن اعمال دینی تشویق کنند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «ما از کودکانمان می‌خواهیم که نماز بخوانند، وقتی که به پنج سالگی رسیدند. شما وقتی کودکانتان به هفت سالگی رسیدند، از آنها بخواهید که نماز بخوانند. ما به فرزندانمان دستور می‌دهیم که از هفت سالگی تا هر وقت از روز که طاقت می‌آورند، روزه بگیرند؛ گاهی تا نصف روز می‌شود، گاهی بیشتر یا کمتر. پس وقتی که تشنگی و گرسنگی بر آنها فشار می‌آورد، می‌خورند تا بر روزه گرفتن عادت کنند و طاقت بیاورند، اما شما کودکان خود را از نه سالگی به روزه گرفتن وادار کنید تا هر وقت که می‌توانند، روزه باشند و اگر تشنگی به آنها فشار آورد، افطار کنند» (کلبینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۵۴۳۲).

پیامبر (ص) تلقینات دینی را از همان اوائل کودکی و شیرخوارگی در خانه زهرا (س) به مرحله اجرا درآورد. هنگامی که امام حسن (ع) به دنیا آمد و او را خدمت رسول اکرم (ص) بردند، وی را بوسیدند و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت و درباره امام حسین (ع) نیز چنین کردند.

۴- ورود و خروج زن و شوهر از خانه

درباره ورود و خروج مرد از خانه توصیه‌هایی شده است؛ از جمله اینکه در اوقاتی که زن کار مهمتی ندارد، هنگام بیرون رفتن شوهر از خانه او را بدرقه کند و چند قدمی پشت سرش برود و گاه نیز هنگام ورود شوهر به خانه به استقبال او بیاید، چنان‌که در زندگی مشترک علی (ع) و حضرت فاطمه (س) چنین رفتاری وجود داشت. «بر مرد لازم است هنگام ورود به خانه با سلام

وارد شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶: ۳) و سر زده و آهسته وارد خانه نشود، بلکه پیش از ورود لازم است به شکلی زن و فرزندان را از خود آگاه سازد.

۵- هدیه دادن

از آداب مهم دیگر، هدیه دادن در مراسم شادی و روزهای عید و بازگشت از سفر است که در جلب محبت همسر و فرزندان بسیار مؤثر است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «به یکدیگر هدیه دهید تا محبت‌ها افزوده گردد و غبار کینه‌ها از دلها رود» (همان، ج ۷۵: ۴۴).

ج) سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع) در محبت

و مهرورزی

خانواده از نظر قرآن محلّ امنیّت و آرامش و سکون است و بر اساس مهر و محبت بنا نهاده شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (الروم/۲۱)؛ «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیسایید...» (الأعراف/۱۸۹).

از آنجا که محبت می‌تواند خانواده را از خطر اضمحلال حفظ کند، به همین دلیل، تشویق به مهرورزی و تقویت آن از طریق پاداش آخری می‌نماید: «قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ * فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ» می‌گویند: «ما در میان خانواده خود ترسان بودیم (از اینکه مبدا گناهان آنها دامن ما را بگیرد)، * اما خداوند بر ما منت نهاد و از عذاب‌کننده ما را حفظ کرد» (الطور/۲۷-۲۶).

در سنت پیشوایان معصوم (ع) رابطه عاطفی و برخورد محبت‌آمیز با همسران بوده است، به گونه‌ای که هم خود به آن عمل می‌کردند و هم به دیگران درباره آن سفارش می‌فرمودند. رسول خدا (ص) درباره آن می‌فرماید: «گفتار مرد به همسرش که من تو را دوست دارم، هرگز از دل او محو نمی‌گردد» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۱۰).

روابط عاطفی در خانه‌ی علی (ع) و فاطمه (س) بسیار عمیق بود، به گونه‌ای که فاطمه زهرا (س)، عشق خود را به علی (ع) ابراز می‌دارد و به علی (ع) می‌فرماید: «جان من فدای تو و حافظ تو. همواره با تو خواهم بود، در خوبی و راحتی و سختی و بلا» (دشتی، ۱۳۷۲: ۱۴۵). از آن سو، علی نیز عشق وافر و بی‌همسر خود فاطمه (س) داشت، به گونه‌ای که در شهادت او می‌گوید: «صبرم کم شده و توان خویشتن‌داری برابرم نمانده تا آنکه در دار آخرت با تو باشم» (نهج‌البلاغه / خ ۲۰۲).

در طول زندگی، گفتگوی عاطفی و شوخی بین این دو جریان داشت و تفریح و سرگرمی، بخشی از زندگی آنها بود. این جمله‌ی علی (ع) عمق روابط عاطفی و سالم بین دو همسر را به تصویر می‌کشد: «به خدا سوگند، هیچ‌گاه فاطمه (س) را خشمگین و مجبور به کاری ننمودم. او هم مرا خشمگین ننمود و هیچ‌گاه از دست‌ورم سرپیچی نکرد. دائماً به او نظر می‌کردم و از دلم نگرانی‌ها و غم‌ها برطرف می‌شد» (نیلی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۸۹-۱۸۸). همچنین نقل شده که وقتی فرزندش، حسین (ع)، را بازی می‌داد، اینگونه می‌فرمود:

«أنت شبيهة بابي لست شبيهة بعلي»

(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳: ۲۸۶).

یعنی؛ تو به پدر من شبیهی و به پدرت علی شباهت نداری.

طبق همین نقل این بیت موجب خنده و تبسم علی (ع) می‌شد!

د) سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع) در

برخورد شایسته با همسر

یکی از ویژگی‌های سبک زندگی خانوادگی از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم (ع) برخورد شایسته با همسران است. قرآن کریم به مردان دستور می‌دهد با زنان به طور شایسته رفتار کنند: «... عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» و با آنان به‌طور شایسته رفتار کنید...» (النساء / ۱۹). نیز تأکید می‌کند که بدی‌ها و ناخشنودی‌های همدیگر (زن و شوهر) را تحمل نمایند که شاید این زمینه‌ای برای نزول خیر و برکت فراوان از سوی خداوند باشد: «... فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُنَّ شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا...» و اگر از آنها، (به‌جهتی) کراهت داشتید، (فوراً) تصمیم به جدایی نگیرید! چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد» (النساء / ۱۹).

در این میان، پیامبر(ص) بزرگترین سرمشق برای مردان در برخورد با زنان می‌باشد تا آنجا که خدای تعالی دو آیه را درباره توجّه و اهتمام پیامبر(ص) در برخورد مطلوب با همسرانش نازل فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ: ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده، به‌خاطر جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟! و خداوند آمرزنده و رحیم است» (التّحریم/ ۱).

شرح این قضیه را مفسّرین مختلف نقل کرده‌اند و اخباری هم در این باب رسیده است و خلاصه‌اش اینکه پیغمبر(ص) قرار داده بود هر روزی را بیتوته در حجره یکی از زوجات باشد. روزی که نوبت حفصه، دختر عمر، بود و در حجره او تشریف برد، حفصه اجازه گرفت که من یک کاری دارم با پدرم، بروم او را ملاقات کنم. حضرت اجازه داد و رفت، حضرت ماریه قبطیه را خواست که سلطان روم به رسم هدیه برای حضرت فرستاده بود و نزد او رفت. چون حفصه آمد و فهمید، اعتراض نمود که امروز نوبت من بود. حضرت فرمود: دیگر نزد او نمی‌روم، و گفتند حضرت قسم یاد کرد که بر خود حرام کردم و با حفصه قرارداد نمود که بر سایر زوجات مستور بدارد، حفصه به عایشه و دیگران گفت و این آیه نازل شد.

در آیه دیگر خداوند به همسران پیامبر(ص) خطاب می‌فرماید که اگر علیه ایشان هم‌صدا شوید، خداوند، جبرئیل، مؤمنان صالح و فرشتگان به یاری او خواهند آمد: «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ: اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید، (به نفع شماست؛ زیرا) دل‌هایتان از حق منحرف گشته است و اگر بر ضد او دست به دست هم دهید، (کاری از پیش نخواهید برد؛ زیرا) خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند» (التّحریم/ ۴). این واقعه نشان می‌دهد که تا چه حد پیامبر(ص) در برخورد با همسرانش گذشت داشته که خداوند در مقام دفاع از او، زنان او را تهدید می‌کند.

به گفته اصحاب پیامبر(ص)، هرگاه همسران ایشان از ایشان چیزی می‌خواستند، با آنها همراهی می‌فرمود و مردی آسان‌گیر در خانواده بود: «عَنْ جَابِرِ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ رَجُلًا سَهْلًا إِذَا عُوِبَتْ (عَائِشَةُ) الشَّيْءَ تَابَعَهَا عَلَيْهِ» (القشیری، ۱۴۰۷ق.، ج ۴: ۱۶۰). از خود پیامبر(ص) نیز نقل شده است که فرمود: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِكُمْ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِنِسَائِي: بهترین

شما کسانی هستند که به زنده‌ای خود مهربانتر باشند و من بیش از همه به زنانم خوبی می‌کنم» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۴۲۵).

نتیجه‌گیری

۱- از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم (ع) باورها و اعتقادات همانند توحید، نبوت و معاد نقش اساسی در تحکیم روابط اعضای خانواده دارند. بی بهره ماندن برخی از خانواده‌ها از این باورها، در همه مراحل، مشکلات متعددی را در پی دارد و ترک باورهای دینی، آرامش و لذت را از زندگی سلب می‌کند. اعتقاد به خدا همه رفتارهای زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد و اعتقاد به رسالت و نبوت از لحاظ فراگیری تعالیم دینی از اولیای دین و الگوپذیری در زندگی افراد خانواده، نقش اساسی دارد. همچنین اعتقاد به سرای پس از مرگ، خانواده را از بی‌معنایی و بی‌هدفی نجات می‌دهد و حلال مشکلات اقتصادی، اجتماعی و... است و از بدرفتاری و تعدی به حقوق یکدیگر باز می‌دارد.

۲- سبک زندگی خانوادگی در امر تشکیل خانواده و ازدواج از منظر قرآن کریم و پیشوایان معصوم (ع) این بوده که ازدواج را امری مقدس دانسته‌اند و همگان را به این امر فرا خوانده‌اند و به آن تشویق نموده‌اند و رعایت معیارهای پارسایی و دینداری، آراستگی به فضایل اخلاقی، همتایی و تناسب و اصالت خانوادگی را سفارش می‌نمایند. نیز سنت پیشوایان معصوم (ع)، بی‌اعتنایی به امور مادی و تکلفات بوده است و خود به آن عمل و به دیگران در این باره سفارش می‌کردند.

۳- از منظر قرآن کریم خانواده محلّ امنیت و آرامش است و بر اساس مهر و محبت بنا نهاده شده است و از آنجا که محبت و مهرورزی می‌تواند خانواده را از اضمحلال حفظ کند، از طریق پاداش آخروی به آن تشویق می‌نماید. در سنت پیشوایان معصوم (ع) رابطه عاطفی و برخورد محبت‌آمیز با همسران بوده است، به گونه‌ای که هم خود به آن عمل و هم به دیگران درباره آن سفارش می‌کردند.

۴- قرآن کریم و پیشوایان معصوم (ع) تأکید فراوانی در برخورد شایسته با همسران می‌کنند و پیامبر (ص) و سایر پیشوایان معصوم (ع) در این مورد بزرگترین سرمشق مردان در برخورد با همسران می‌باشند.

۵- سبک پیشوایان معصوم (ع) در محیط خانواده و اداره محیط آن این بود که مدیریت

خانواده به مرد واگذار شود و زن موظف به پذیرش آن می‌باشد و در یاری رساندن یکدیگر در اداره خانه هم خود عامل بدان بودند و هم دیگران را در این مورد سفارش می‌کردند و اعضای خانواده نسبت به یکدیگر احساس مسؤولیت می‌کردند و در اعمال دینی همانند نماز و روزه مراقبت و مواظبت می‌کردند و در هنگام ورود و خروج از یکدیگر استقبال و بدرقه می‌کردند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق.). *من لایحضره الفقیه*. بیروت: دار الأضواء.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق.). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- دشتی، محمد. (۱۳۷۲). *نهج الحیاة؛ فرهنگ سخنان فاطمه (س)*. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۳۷۰). *تفسیر نورالثقلین*. قم: اسماعیلیان.
- طباطبائی، محمدحسین. (بی تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ . (۱۳۷۸). *سُنَن النَّبِی*. تهران: کتاب‌فروشی اسلامی.
- طبرسی، ابونصر حسن بن فضل. (۱۹۷۲م.). *مکارم الأخلاق*. قم: منشورات الرضی.
- طبرسی، فضل بن شاذان. (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. تهران: ناصر خسرو.
- _____ . (بی تا). *أعلام الوری بأعلام الهدی*. قم: دار الکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۸). *الأمالی*. ترجمه صادق حسن زاده. قم: اندیشه‌های هادی.
- کاویانی، محمد. (۱۳۹۱). *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). *اصول کافی*. تصحیح و تحقیق علی‌اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.

- القشيري النيسابوري، مسلم بن الحجاج. (۱۴۰۷ق). **صحيح مسلم**. بيروت: عزالدین.
 مكارم شيرازى و ديگران. (۱۳۷۷). **تفسير نمونه**. تهران: دارالکتب الإسلاميه.
 نوري، ميرزا حسين. (۱۴۰۸ق). **مستدرک الوسائل**. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
نهج البلاغه. (۱۳۸۳). ترجمه دشتي. قم: مؤسسه فرهنگي تحقيقاتي اميرالمؤمنين (ع).
 نيلى پور، مهدي. (۱۳۸۰). **فرهنگ فاطميه**. اصفهان: نشر مركز فرهنگي شهيد مدرس.

